

که حضرت رساله پناه محمدي صلوات الله علیه
آب نقرم طلبد عباس گفت یا رسول الله خلاف بسیار دست
در آن کوده اند و یک دلو خاص از برای شما بر کشم و پیاورم
فرمود صلوات الله علیه که حاجت نیست من بیکه دست مسلمانان
دوست دارم و همین آب بیاور اما جمعی احقان باشند که
درین باب باید و معارض و فرزندان و رفیقان خود سستی
میکنند و بر مردمان تلوی میکنند گویا منتهی بر مردمان دارند
و این از غایب جهل بود که متابعه علما نکرده اند تا این اقفا
بدانند پس دلیل باشند بر نجاست ایشان **شتر** آنکسان
احتیاطها در خوردنی و کفنی و پوشیدنی نگاه دارد
که آن از مهمات دینست پس چون از دست بردارد محقق
که آن احتیاطها ریا بوده پس باید که شکم از حرام نگاه دارد
اطعام نخورد یا اگر آن طعام حرام خورد دست بزد
نشوید پس این **شتر** است که در احتیاط بجهت
ومتکرات آذینند چنانکه در اعضا شتر، زیاده برسد بار

نشوید

نشوید و باید که در وضو ساختن در آن کشد که اگر امام بود
انتظار کشند یا وعده با مسلمانی کرده باشند و او را در انتظار
بگذارد یا در مسجد سجاده فراخ بیندازد اول آنکه پایه آن مسجد
غصب کرده باشند دیگر آنکه خوف مسجد رود و صفیوسته
از تلوی نکوید کانه از مسلمانان شک میدارد خانی از سک
و نجاست حد کنند پس اینها همه از جهلست پس این بود طهارت

فصل دوم

ظاهر و باطن
بیا آنکه این فصل اقسام ما آنست و یک قسم از آن آنست که
طهارت از آن آبر حاصل شود و آن آبست پاک و پاک کننده
خواه از حطت اصغر و خواه از حطت اکبر و دیگر از زیادتها
که در بدن بود چون ناخق و جرح و موی و غیر آن پس قسم اول
بیا آنکه هر چه خدای تعالی آفریده است از جهادات هر پاکست
مگر شریکی که مست کند یا باشد که اندک و بسیار آن بلید باشند
و هر چه از جان و راست هر پاکست الا سگ و خوک و
ببورد که بلید است مگر چهار چیز ما **شتر** و هر چه
خوبی